

سوره هود

شماره: ۱۱
محل نزول: مکه

جزء: ۱۱، ۱۲
ترتیب نزول: ۵۲

تعداد آیه: ۱۲۳

ahlolbait.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش
همیشگی.

الرَّ كِتَابٌ أُحْكِمَتْ آيَاتُهُ ثُمَّ فُصِّلَتْ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ خَبِيرٍ

الر [این] کتابی [با عظمت] است که آیاتش [به صورت حقیقتی واحد]
استواری و استحکام یافته، سپس از سوی حکیمی آگاه [در قالب سوره ها، آیه
ها، حقایق اعتقادی، اخلاقی و عملی] تفصیل داده شده است. (۱)

أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ ۚ إِنِّي لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ

که جز خدا را نپرستید، یقیناً من از سوی او برای شما بیم دهنده

[از عذاب] و مرزده دهنده [به بهشت و رضوان] هستم. (۲)

وَأَنْ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُمَتِّعْكُمْ مَتَاعًا حَسَنًا
 إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى وَيُؤْتِ كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ ^ط وَإِنْ تَوَلَّوْا
 فَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ كَبِيرٍ

و اینکه از پروردگارتان آمرزش بخواهید، سپس به سوی او بازگردید تا آنکه شما را تا
 پایان زندگی از بهره نیک و خوشی برخوردار کند، و هر که را صفات پسندیده و اعمال
 شایسته او افزون تر است، پاداش زیادتری عطا کند، و اگر روی از حق برگردانید، من از
 عذاب روزی بزرگ بر شما بیمناکم. (۳)

إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ ۖ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

بازگشت شما فقط به سوی خداست و او بر هر کاری

تواناست. (۴)

أَلَا إِنَّهُمْ يَنْتُونُ صُدُورَهُمْ لِيَسْتَخْفُوا مِنْهُ ۗ أَلَا حِينَ
يَسْتَعْشُونَ نِيَابَهُمْ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ ۗ إِنَّهُ عَلِيمٌ
بِذَاتِ الصُّدُورِ

آگاه باشید که مشرکان سر در گریبان فرو می برند تا [خود را] از شنیدن قرآن [به هنگام تلاوتش به وسیله پیامبر و مؤمنان] پنهان بدارند؛ آگاه باشید! چون جامه هایشان را بر سر و روی خود می پوشانند [تا دیده نشوند، این پنهانکاری سودی به حال آنان ندارد] خدا آنچه را پنهان می کند و آنچه را آشکار می نماید، می داند؛ یقیناً او به آنچه در سینه هاست، داناست. (۵)

وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ
مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ

و هیچ جنبده ای در زمین نیست مگر اینکه روزی او بر خداست،
و [او] قرارگاه واقعی و جایگاه موقت آنان را می داند؛ همه در
کتابی روشن ثبت است. (۶)

وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ
عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا ۗ وَلَئِنْ قُلْتُمْ
مَبْعُوثُونَ مِنْ بَعْدِ الْمَوْتِ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا

سِحْرٌ مُبِينٌ

و او کسی است که آسمان ها و زمین را در شش روز آفرید، در حالی که تخت
فرمانروایی اش بر آب [که زیربنای حیات است] قرار داشت، تا شما را بیازماید که
کدام یک نیکوکارترید؟ و اگر بگویید: [ای مردم!] شما یقیناً پس از مرگ برانگیخته می
شوید، بی تردید کافران می گویند: این سخنان جز جادویی آشکار نیست. (۷)

وَلَئِنْ أَخَّرْنَا عَنْهُمُ الْعَذَابَ إِلَىٰ أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ لَّيَقُولُنَّ مَا
يَحْبِسُهُ ۗ أَلَّا يَوْمَ يَأْتِيهِمْ لَيْسَ مَصْرُوفًا عَنْهُمْ وَحَاقَ بِهِم
مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ

و اگر عذاب را از آنان تا مدتی اندک به تأخیر اندازیم، مسلماً [از روی استهزا] خواهند
گفت: چه عاملی آن را [از آمدن] باز می دارد؟! آگاه باشید! روزی که عذاب به آنان
رسد، از آنان بازگشتنی و بازداشتنی نیست و عذابی را که همواره مسخره می کردند،
آنان را فراخواهد گرفت. (۸)

وَلَئِنْ أَذَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً ثُمَّ نَزَعْنَاهَا مِنْهُ إِنَّهُ
لَيَكْفُرُ

و اگر از سوی خود رحمتی [چون سلامتی، ثروت، اولاد و امنیت] به انسان بچشانیم، سپس آن را [به علتی حکیمانه] از او سلب کنیم [نسبت به آینده زندگی] بسیار نومید شوند و [نسبت به نعمت هایی که دارا بود] بسیار کفران کننده است. (۹)

وَلَئِنْ أَذَقْنَاهُ نَعْمَاءَ بَعْدَ ضَرَّاءَ مَسَّتْهُ لَيَقُولَنَّ ذَهَبَ
السَّيِّئَاتِ عَنِّي ۚ إِنَّهُ لَفَرِحٌ فَخُورٌ

و اگر پس از گزند و آسیبی که به او رسیده خوشی و رفاهی به او بچشانیم، قطعاً خواهد گفت: همه [گزندها و] آسیب ها از فضای زندگی ام رفت [و دیگر آسیبی نمی بینم و] مسلماً در آن حال [که غافل از حوادث آینده است] بسیار شادمان و خودستا خواهد بود. (۱۰)

إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ
وَأَجْرٌ كَبِيرٌ

مگر کسانی که [در خوشی ها و آسیب ها] شکیبایی ورزیدند و
کارهای شایسته انجام دادند، اینانند که برای آنان آمرزش و
پاداشی بزرگ است. (۱۱)

فَلَعَلَّكَ تَارِكٌ بَعْضَ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ وَضَائِقٌ بِهِ صَدْرُكَ
 أَنْ يَقُولُوا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ كَنْزٌ أَوْ جَاءَ مَعَهُ مَلَكٌ ۚ إِنَّمَا
 أَنْتَ نَذِيرٌ ۚ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ

ممکن است به سبب آنکه [دشمنان] می گویند: چرا گنجی بر او نازل نشده، یا فرشته
 ای همراهش نیامده؟ برخی از آنچه را به تو وحی می شود ترک کنی و سینه ات [از ابلاغ
 و اظهار آن] تنگ شود [به سبب موضع گیری های دشمنان از ابلاغ پیام حق خودداری
 مکن] تو فقط بیم دهنده ای و خدا بر هر چیز نگهبان است. (۱۲)

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ ^{صَلَّى} قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُوْرٍ مِثْلِهِ مُفْتَرِيَاتٍ
وَادْعُوا مَنْ اسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

بلکه [در برابر همه قرآن می ایستند و] می گویند: او این قرآن را از نزد خود ساخته [و به خدا نسبت می دهد] بگو: اگر راستگوید، شما هم ده سوره مانند آن بیاورید و هر کس را غیر خدا می توانید، به یاری خود دعوت کنید. (۱۳)

فَالَّذِينَ لَا يَرْجُونَ عَذَابَ اللَّهِ كَبُورًا
 فَآلَمَ يَسْتَجِيبُوا لَكُمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّمَا أُنزِلَ بِعِلْمِ اللَّهِ وَأَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۗ فَهَلْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ

پس اگر آنان دعوت شما را اجابت نکردند [که هرگز اجابت نمی‌کنند] بدانید که آنچه نازل شده به دانش خداست و هیچ معبودی جز او نیست، پس آیا تسلیم [حق] می‌شوید؟ (۱۴)

مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا نُوفِّ إِلَيْهِمْ أَعْمَالَهُمْ
فِيهَا وَهُمْ فِيهَا لَا يُخْسُونَ

کسانی که زندگی دنیا و زیور و زینتش را بخواهند، ثمره تلاششان را به طور کامل در [همین] دنیا به آنان می دهیم و در اینجا چیزی از آنان کاسته نخواهد شد. (۱۵)

أُولَئِكَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ وَحَبِطَ مَا
صَنَعُوا فِيهَا وَبَاطِلٌ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

اینان کسانی هستند که در آخرت، سهمی جز آتش برای آنان نیست و آنچه [در دنیا از کار خیر] کرده اند، در آخرت تباه و بی اثر می شود، و آنچه همواره [ریاکارانه] انجام می دادند، باطل است. (۱۶)

أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِّنْهُ وَمِن قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَىٰ إِمَامًا
 وَرَحْمَةً ۗ أُولَٰئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ ۗ وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ مِنَ الْأَحْزَابِ فَالنَّارُ مَوْعِدُهُ ۗ فَلَا تَكُ
 فِي مِرْيَةٍ مِّنْهُ ۗ إِنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ ۗ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ

آیا کسانی که از سوی پروردگارشان بر دلیلی روشن [از بصیرت و بینش] متکی هستند و شاهدهی از سوی او [چون قرآن برای تأیید آن دلیل روشن] از پی درآید و پیش از قرآن [هم] کتاب موسی در حالی که [برای مؤمنان] پیشوا و رحمت بود [بر حَقَّانیت قرآن گواهی داده مانند کسانی می باشند که چنین نیستند] اینان [که متکی بر دلیل روشن اند] به قرآن ایمان می آورند، و هر کس از گروه ها [چه یهود، چه نصاری و چه مشرکان] به آن کفر ورزد، وعده گاهش آتش است؛ پس [ای انسان!] درباره قرآن در تردید مباش که آن از سوی پروردگارت حق است، ولی بیشتر مردم [به خاطر کبر باطنی، لجاجت و جهل] ایمان [به آن] نمی آورند. (۱۷)

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا ۚ أُولَٰئِكَ يُعْرَضُونَ
 عَلَىٰ رَبِّهِمْ وَيَقُولُ الْأَشْهَادُ هَٰؤُلَاءِ الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَىٰ
 رَبِّهِمْ ۚ أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ

و ستمکارتر از کسانی که به خدا دروغ بندند چه کسی است؟ اینان [در قیامت] بر پروردگارشان عرضه خواهند شد، و گواهان [اعمال] می گویند: اینان کسانی هستند که بر پروردگارشان دروغ بستند؛ آگاه باشید! لعنت خدا بر ستمکاران باد. (۱۸)

الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا وَهُمْ
بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ

آنان که مردم را از راه خدا باز می دارند و می خواهند آن را [با
وسوسه و اغواگری] کج نشان دهند و به آخرت کافرند. (۱۹)

أُولَئِكَ لَمْ يَكُونُوا مُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَمَا كَانَ لَهُمْ مِنْ
 دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ۚ يُضَاعَفُ لَهُمُ الْعَذَابُ مَا كَانُوا
 يَسْتَطِيعُونَ السَّمْعَ وَمَا كَانُوا يُبْصِرُونَ

اینان در زمین، عاجزکننده [خدا] نیستند تا [بتوانند از دسترس قدرت او بیرون روند]، و
 برای آنان سرپرستان و یاورانی جز خدا نیست، عذابشان [در روز قیامت] دو چندان
 خواهد شد؛ آنان [به سبب بسیاری گناه] تاب و توان شنیدن [حق را] نداشتند و [با چشم
 بصیرت، حقیقت را] نمی دیدند. (۲۰)

أُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا
يَفْتَرُونَ

اینان کسانی هستند که سرمایه وجودشان را تباه کردند، و آنچه را
همواره به دروغ [به عنوان شریکان خدا به خدا] نسبت می دادند
[گم شده] از دستشان می رود. (۲۱)

لَا جَرَمَ أَنَّهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمُ الْأَخْسَرُونَ

ثابت و یقینی است که اینانند که در آخرت از همه

زیانکارترند. (۲۲)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَخْبَتُوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ
أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ ۖ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

قطعاً کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند و به
پروردگارشان آرامش و اطمینان یافتند، اهل بهشت اند و در آن
جاودانه اند. (۲۳)

مَثَلُ الْفَرِيقَيْنِ كَالْأَعْمَى وَالْأَصْمَى وَالْبَصِيرِ وَالسَّمِيعِ ۚ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا ۚ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ

وصف این دو گروه [مشرک و مؤمن] همانند نابینا و کر و بینا و شنواست؛ آیا [این دو گروه] در صفت و حال یکسانند؟ پس آیا متذکر نمی شوید؟ (۲۴)

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ

بی تردید نوح را به سوی قومش فرستادیم [که به آنان بگو:]

من برای شما بیم دهنده ای آشکارم. (۲۵)

أَنْ لَا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ ۗ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ أَلِيمٍ

که جز خدا را نپرستید؛ من بر شما از عذاب روزی دردناک

بیمناکم. (۲۶)

فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا نَرَاكَ إِلَّا بَشَرًا مِثْلَنَا
 وَمَا نَرَاكَ اتَّبَعَكَ إِلَّا الَّذِينَ هُمْ أَرَادْنَا بِآدِي الرَّأْيِ وَمَا
 نَرَىٰ لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ بَلْ نَظُنُّكُمْ كَاذِبِينَ

اشراف و سران کافر قومش گفتند: ما تو را جز بشری مانند خود نمی بینیم، و کسی را
 جز فرومایگان که نسنجیده و بدون اندیشه از تو پیروی کرده باشند مشاهده نمی کنیم،
 و برای شما هیچ برتری و فضیلتی بر خود نمی بینیم، بلکه شما را دروغگو می پنداریم.

قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِن كُنْتُ عَلَىٰ بَيْنَةٍ مِّن رَّبِّي وَآتَانِي
 رَحْمَةً مِّنْ عِنْدِهِ فَعُمِّيَتْ عَلَيْكُمْ أَنُلْزِمُكُمْوهَا وَآتَنَّمْ لَهَا
 كَارِهُونَ

نوح گفت: ای قوم من! مرا خبر دهید: اگر من بر دلیل روشنی از سوی پروردگارم متکی باشم و مرا از نزد خود رحمتی عطا کرده باشد که بر شما مخفی مانده [باز هم نبوت مرا تکذیب می کنید؟] آیا [در صورتی که اجباری در پذیرش دین نیست] می توان شما را به پذیرش آن دلیل روشن در حالی که آن را خوش ندارید، وادار کنیم؟ (۲۸)

وَيَا قَوْمِ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مَالًا ۖ إِنِ اجْرِي إِلَّا عَلَى اللَّهِ ۗ وَمَا أَنَا
 بِطَارِدِ الَّذِينَ آمَنُوا ۗ إِنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ وَلَكِنِّي أَرَاكُمْ قَوْمًا
 تَجْهَلُونَ

و ای قوم من! من از شما [در برابر ابلاغ رسالتم] هیچ پاداشی نمی خواهم؛ پاداشم فقط بر
 عهده خداست، و من [برای به دست آوردن دل شما] طرد کننده کسانی که ایمان آورده اند [و
 شما آنان را فرومایه می دانید] نخواهم بود؛ زیرا اینان دیدارکنندگان [پاداش و مقام قرب]
 پروردگار خویش اند. ولی من شما را گروهی می بینم که جهالت می ورزید. (۲۹)

وَيَا قَوْمِ مَنْ يَنْصُرُنِي مِنَ اللَّهِ إِنْ طَرَدْتُهُمْ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ

و ای قوم من! اگر آنان را از خود طرد کنم، چه کسی مرا در برابر

[عذاب] خدا یاری می دهد؟ آیا متذکر نمی شوید؟ (۳۰)

وَلَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ إِنِّي
 مَلَكٌ وَلَا أَقُولُ لِلَّذِينَ تَزْدَرِي أَعْيُنُكُمْ لَنْ يُؤْتِيَهُمُ اللَّهُ خَيْرًا ۗ اللَّهُ
 أَعْلَمُ بِمَا فِي أَنْفُسِهِمْ ۗ إِنِّي إِذَا لَمِنَ الظَّالِمِينَ

و من به شما نمی گویم که گنجینه های [عنايات و الطاف] خدا نزد من است [تا به طور مستقل بتوانم حاجات شما را برآورم و هر تصرفی را که مایل باشم در آسمان ها و زمین بنمایم]، و ادعا نمی کنم که غیب هم می دانم، و نمی گویم که من فرشته ام و درباره آنان که چشمانتان فرومایه و خوارشان می نگرد، نمی گویم که خدا هرگز خیری به آنان نخواهد داد؛ خدا به آنچه در دل آنان است آگاه تر است؛ اگر چنین گویم از ستمکاران خواهم بود. (۳۱)

قَالُوا يَا نُوحُ قَدْ جَادَلْتَنَا فَأَكْثَرْتَ جِدَالَنَا فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ
كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ

گفتند: ای نوح! با ما جدال و ستیزه کردی و بسیار هم جدال و
ستیزه کردی، نهایتاً اگر از راستگویانی آنچه را [از عذاب] به ما
وعده می دهی، برایمان بیاور. (۳۲)

قَالَ إِنَّمَا يَأْتِيكُمْ بِهِ اللَّهُ إِنْ شَاءَ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ

گفت: جز این نیست که اگر خدا بخواهد آن را برای شما می آورد
و شما عاجز کننده [خدا] نیستید [تا بتوانید از دسترس قدرت او

بیرون روید.] (۳۳)

وَلَا يَنْفَعُكُمْ نُصْحِي إِنْ أَرَدْتُ أَنْ أَنْصَحَ لَكُمْ إِنْ كَانَ اللَّهُ يُرِيدُ أَنْ يُغْوِيَكُمْ ۗ هُوَ رَبُّكُمْ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

و اگر بخواهم برای شما خیرخواهی کنم در صورتی که خدا بخواهد شما را [به کیفر گناهانتان] گمراه کند، خیرخواهی من سودی به شما نخواهد داد، او پروردگار شماست و به سویش بازگردانده می شوید. (۳۴)

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ ^طقُلْ إِنْ افْتَرَيْتُهُ فَعَلَيْ إِجْرَامِي وَأَنَا
بَرِيءٌ مِمَّا تُجْرِمُونَ

آیا مشرکان می گویند: پیامبر، این قرآن را از نزد خود به دروغ ساخته [و به خدا نسبت داده؟] بگو: اگر آن را به دروغ ساخته باشم، گناهم فقط بر عهده خود من است، و من از گناهانی که شما مرتکب می شوید، بیزارم. (۳۵)

وَأَوْحِيَ إِلَىٰ آلِ نُوحٍ أَنَّهُ لَنْ يُؤْمِنَ مِنْ قَوْمِكَ إِلَّا مَنْ قَدْ آمَنَ
فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ

و به نوح وحی شد که از قوم تو جز کسانی که [تاکنون] ایمان آورده اند، هرگز کسی ایمان نخواهد آورد؛ بنابراین از کارهایی که همواره [بر ضد حق] انجام می دادند، اندوهگین مباش. (۳۶)

وَاصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحِينَا وَلَا تُخَاطِبُنِي فِي الَّذِينَ
ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُغْرَقُونَ

و با نظارت ما و [بر اساس] وحی ما کشتی را بساز، و با من درباره
کسانی که ستم کرده اند، سخن مگو که یقیناً آنان غرق شدنی
هستند. (۳۷)

وَيَصْنَعُ الْفُلُوكَ وَكُلَّمَا مَرَّ عَلَيْهِ مَلَأَ مِنْ قَوْمِهِ سَخِرُوا
 مِنْهُ قَالِ إِنَّ تَسْخَرُوا مِنَّا فَإِنَّا نَسْخَرُ مِنْكُمْ كَمَا تَسْخَرُونَ

و [نوح] کشتی را می ساخت و هرگاه گروهی از [اشراف و سران] قومش بر او عبور می کردند، او را به مسخره می گرفتند. گفت: اگر شما ما را مسخره می کنید، مسلماً ما هم شما را [به هنگام پدید آمدن توفان] همان گونه که ما را مسخره می کنید، مسخره خواهیم کرد. (۳۸)

فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَيَحِلُّ عَلَيْهِ
عَذَابٌ مُّقِيمٌ

سپس خواهید دانست که چه کسی را [در دنیا] عذابی
خوارکننده و [در آخرت عذابی] پایدار خواهد رسید. (۳۹)

حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ قُلْنَا احْمِلْ فِيهَا مِنْ كُلِّ
 زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ وَمَنْ آمَنَ
 وَمَا آمَنَ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ

[رویارویی نوح و قومش هم چنان ادامه داشت] تا هنگامی که فرمان ما فرا رسید و تنور
 فوران کرد، گفتیم: از هر [نوع حیوانی] یک زوج دوتایی [یک نر و یک ماده] و نیز
 خاندانت و آنان را که ایمان آورده اند، در کشتی سوار کن مگر کسی که پیش تر فرمان
 غرق شدن را بر ضد او لازم کرده ایم. و جز اندکی همراه او ایمان نیاوردند. (۴۰)

وَقَالَ ارْكَبُوا فِيهَا بِسْمِ اللَّهِ مَجْرَاهَا وَمُرْسَاهَا ۚ إِنَّ رَبِّي
لَغَفُورٌ رَحِيمٌ

و نوح گفت: در آن سوار شوید که حرکت کردنش و لنگر
انداختنش فقط به نام خداست، یقیناً پروردگارم بسیار آمرزنده و
مهربان است. (۴۱)

وَهِيَ تَجْرِي بِهِمْ فِي مَوْجٍ كَالْجِبَالِ وَنَادَى نُوحٌ ابْنَهُ
وَكَانَ فِي مَعْزِلٍ يَا بُنَيَّ ارْكَبْ مَعَنَا وَلَا تَكُنْ مَعَ
الْكَافِرِينَ

آن کشتی آنان را در میان موج هایی کوه آسا حرکت می داد، و نوح
فرزندش را که در کناری بود، بانگ زد که ای پسر من! همراه ما سوار
شو و با کافران مباش. (۴۲)

قَالَ سَآوِي إِلَىٰ جَبَلٍ يَعْصِمُنِي مِنَ الْمَاءِ ۚ قَالَ لَا عَاصِمَ
 الْيَوْمَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِلَّا مَنْ رَحِمَ ۚ وَحَالَ بَيْنَهُمَا الْمَوْجُ
 فَكَانَ مِنَ الْمَغْرَقِينَ

گفت: به زودی به کوهی که مرا از [این] آب ننگه دارد، پناه می برم. نوح گفت: امروز در برابر عذاب خدا هیچ ننگه دارنده ای نیست مگر کسی که [خدا بر او] رحم کند. و موج میان آن دو حایل شد و پسر از غرق شدگان گردید. (۴۳)

وَقِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكِ وَيَا سَمَاءُ أَقْلِعِي وَغِيضَ
 الْمَاءِ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَاسْتَوَتْ عَلَى الْجُودِيِّ ^ص وَقِيلَ بُعْدًا
 لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ

و [پس از هلاک شدن کافران] گفته شد: ای زمین! آب خود را فرو بر، و ای آسمان! [از ریختن باران] باز ایست، و آب کاستی گرفت و کار پایان یافت و کشتی بر [کوه] جودی قرار گرفت و گفته شد: دوری [از رحمت خدا] بر گروه ستمکاران باد. (۴۴)

وَنَادَى نُوحٌ رَبَّهُ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ابْنِي مِنْ أَهْلِي وَإِنَّ
وَعْدَكَ الْحَقُّ وَأَنْتَ أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ

و نوح [پیش از توفان] پروردگارش را ندا داد و گفت: پروردگارا! به
راستی که پسر من از خاندان من است و یقیناً وعده ات [به نجات
خاندانم] حق است و تو بهترین داورانی. (۴۵)

قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ فَلَا
تَسْأَلِنِ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّيْ أَعْظُكَ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ

خدا فرمود: ای نوح! به یقین او از خاندان تو نیست، او [دارای] کرداری
ناشایسته است، پس چیزی را که به آن علم نداری از من نخواه، همانا من تو
را اندرز می دهم که مبادا از ناآگاهان باشی. (۴۶)

قَالَ رَبِّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ
وَإِلَّا تَغْفِرْ لِي وَتَرْحَمْنِي أَكُنُ مِنَ الْخَاسِرِينَ

نوح گفت: پروردگارا! من از اینکه چیزی را که به آن علم ندارم از تو بخواهم به تو پناه می برم و اگر مرا نیامرزی و بر من رحم نکنی از زیانکاران خواهم بود. (۴۷)

قِيلَ يَا نُوحُ اهْبِطْ بِسَلَامٍ مِنَّا وَبَرَكَاتٍ عَلَيْكَ وَعَلَىٰ أُمَّمٍ
مِمَّنْ مَعَكَ ۚ وَأُمَّمٌ سَنُمَتُّعُهُمْ ثُمَّ يَمَسُّهُمْ مِنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ

گفته شد: ای نوح! با سلام و برکاتی از سوی ما بر تو و امت هایی که با تواند [از کشتی]
فرود آی و امت هایی [از نسل همراهانت به وجود می آیند] که به زودی آنان را [از
نعمت های خود] برخوردار می کنیم، سپس آنان را از سوی ما [به سبب کفران نعمت]
عذابی دردناک خواهد رسید. (۴۸)

تِلْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهَا إِلَيْكَ ۖ مَا كُنْتَ تَعْلَمُهَا أَنْتَ
وَلَا قَوْمُكَ مِنْ قَبْلِ هَذَا ۖ فَاصْبِرْ ۖ إِنَّ الْعَاقِبَةَ لِلْمُتَّقِينَ

اینها از خبرهای غیبی است که آن را به تو وحی می کنیم، نه تو آنها را پیش از این می دانستی و نه قوم تو؛ پس [در ابلاغ پیام ما با بهره گرفتن از این خبرها] شکیبایی ورز؛ یقیناً فرجام [نیک] برای پرهیزکاران است. (۴۹)

وَإِلَىٰ عَادٍ أَخَاهُمْ هُودًا ۚ قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِن
إِلَهِ غَيْرِهِ ۖ إِنَّكُمْ إِذًا مُّفْتَرُونَ

و به سوی قوم عاد، برادرشان هود را [فرستادیم] گفت: ای قوم من! خدا را
پرستید که شما را جز او هیچ معبودی نیست، شما [که شریکانی برای خدا
قرار داده اید] جز مردمی دروغ پرداز نیستید. (۵۰)

يَا قَوْمِ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا ۖ إِنِّي أُجْرِي إِلَّا عَلَى الَّذِي
فَطَرَنِي ۚ أَفَلَا تَعْقِلُونَ

ای قوم من! از شما [در برابر ابلاغ رسالتم] هیچ پاداشی نمی
خواهم، پاداشم فقط بر عهده کسی است که مرا آفریده؛ آیا نمی

اندیشید؟ (۵۱)

وَيَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ
عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَىٰ قُوَّتِكُمْ وَلَا تَتَوَلَّوْا
مُجْرِمِينَ

ای قوم من! از پروردگارتان آمرزش بخواهید، آن گاه به سوی او بازگردید، [تا] برای شما باران فراوان و پی در پی فرستد و نیرویی بر نیرویتان بیفزاید، و مجرمانه روی [از حق] برمگردانید. (۵۲)

قَالُوا يَا هُوْدُ مَا جِئْتَنَا بِبَيِّنَةٍ وَمَا نَحْنُ بِتَارِكِي آلِهَتِنَا عَنْ
قَوْلِكَ وَمَا نَحْنُ لَكَ بِمُؤْمِنِيْنَ

گفتند: ای هود! دلیل روشنی [که پسند خاطر ما باشد] برای ما
نیاوردی، و ما به گفته تو رهاکننده معبودهای خود نیستیم، و ما به
تو ایمان نمی آوریم. (۵۳)

إِنْ نَقُولُ إِلَّا اعْتَرَاكَ بَعْضُ آلِهَتِنَا بِسُوءٍ ۗ قَالَ إِنِّي أُشْهِدُ
اللَّهَ وَاشْهَدُوا أَنِّي بَرِيءٌ مِمَّا تُشْرِكُونَ

[ما درباره تو] جز این نمی گوئیم که برخی از معبودهای ما به تو گزند و آسیب
[روحي] رسانده اند [به همین سبب سخنان جنون آمیز و بی منطق می گویی]. هود
گفت: من خدا را گواه می گیرم و شما هم گواه باشید که یقیناً من از آنچه شریک او قرار
می دهید، بیزارم. (۵۴)

مِنْ دُونِهِ ^طفَكِيدُونِي جَمِيعًا ثُمَّ لَا تُنظِرُونَ

[آری، از هر معبودی] به غیر او [بیزارم] پس همه شما بر

ضد من نیرنگ بزنید، سپس مهلتم ندهید. (۵۵)

إِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكُمْ ۚ مَا مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا هُوَ
 آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا ۚ إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

یقیناً من بر خدا که پروردگار من و پروردگار شماست توکل کردم؛ هیچ
 جنبنده ای نیست مگر اینکه او مهارش را به دست [قدرت و فرمانروایی خود]
 گرفته است، مسلماً پروردگارم بر راهی راست است. (۵۶)

فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ مَا أُرْسِلْتُ بِهِ إِلَيْكُمْ وَيَسْتَخْلِفُ
 رَبِّي قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلَا تَضُرُّوَنَهُ شَيْئًا إِنَّ رَبِّي عَلَىٰ كُلِّ
 شَيْءٍ حَفِيظٌ

پس اگر روی [از حق] برگردانید [زیانش متوجه خود شماست] یقیناً آنچه را که من
 برای آن به سوی شما فرستاده شده ام به شما ابلاغ کردم، و پروردگرم گروهی غیر از
 شما را جایگزین [شما] خواهد کرد، و نمی توانید هیچ زیانی به او رسانید؛ زیرا
 پروردگرم بر همه چیز نگهبان است. (۵۷)

وَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا هُودًا وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ
مِّنَّا وَنَجَّيْنَاهُمْ مِنْ عَذَابٍ غَلِيظٍ

و هنگامی که فرمان ما [بر عذاب آنان] فرا رسید، هود و آنان را که
با او ایمان آورده بودند با رحمتی از سوی خود نجات دادیم و آنان
را از عذابی سخت رهایی بخشیدیم. (۵۸)

وَتِلْكَ عَادٌ جَحَدُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَعَصَوْا رُسُلَهُ وَاتَّبَعُوا
أَمْرَ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ

و اینان قوم عاد بودند که آیات پروردگارشان را انکار کردند، و از پیامبران او نافرمانی نمودند، و فرمان هر سرکش ستیزه جویی را پیروی کردند. (۵۹)

وَأَتَّبِعُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ ۗ أَلَا إِنَّ عَادًا
كَفَرُوا رَبَّهُمْ ۗ أَلَا بُعْدًا لِعَادٍ قَوْمِ هُودٍ

و در این دنیا و روز قیامت با لعنتی بدرقه شدند. آگاه باشید که
[قوم] عاد به پروردگارشان کافر شدند، هان! دوری [از رحمت
خدا] بر عاد، قوم هود باد. (۶۰)

وَإِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ
 مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ ۗ هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا
 فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تَوَبُوا إِلَيْهِ ۚ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُجِيبٌ

و به سوی قوم ثمود، برادرشان صالح را [فرستادیم] گفت: ای قوم من! خدا را پرستید؛
 شما را جز او هیچ معبودی نیست، و او شما را از زمین به وجود آورد و از شما خواست
 که در آن آبادانی کنید؛ بنابراین از او آمرزش بخواهید، سپس به سوی او بازگردید؛ زیرا
 پروردگارم [به بندگانش] نزدیک و اجابت کننده دعای آنان است. (۶۱)

قَالُوا يَا صَالِحُ قَدْ كُنْتَ فِينَا مَرْجُوًّا قَبْلَ هَذَا أَتَنْهَانَا أَنْ
 نَعْبُدَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا وَإِنَّا لَفِي شَكٍّ مِمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ
 مُرِيبٍ

گفتند: ای صالح! پیش از این در میان ما [به عنوان انسانی عاقل و خردمند] مورد امید
 بودی، آیا ما را از پرستیدن آنچه پدرانمان می پرستیدند، باز می داری؟ و ما بی تردید در
 [درستی و صحت] تعالیمی که به آن دعوتمان می کنی در شکی شدید و سخت هستیم
 [چنان شکی که در خردمندی تو نیز دچار تردیدیم]. [۶۲]

قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِن كُنْتُ عَلَىٰ بَيْنَةٍ مِّن رَّبِّي وَآتَانِي
 مِنْهُ رَحْمَةً فَمَنْ يَنْصُرُنِي مِنَ اللَّهِ إِن عَصَيْتُهُ ^طفَمَا
 تَزِيدُونَنِي غَيْرَ تَخْسِيرٍ

گفت: ای قوم من! مرا خبر دهید اگر من بر دلیلی روشن از سوی پروردگارم متکی باشم
 و از سوی خود رحمتی به من عطا کرده باشد، چنانچه [در ابلاغ پیامش] از او نافرمانی
 کنم، چه کسی مرا [از عذابش] نجات می دهد؟ پس شما [در صورتی که خواسته های
 بی جایتان را بپذیرم] چیزی جز خسارت بر من نمی افزایشید. (۶۳)

وَيَا قَوْمِ هَذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ آيَةٌ فَذَرُوهَا تَأْكُلْ فِي أَرْضِ اللَّهِ
وَلَا تَمَسُّوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابٌ قَرِيبٌ

و ای قوم من! این ناقه خداست که برای شما [در اثبات صدق نبوت من] نشانه
ای [عظیم] است، پس بگذاریدش در زمین خدا بچرد، و هیچ آسیب و
گزندی به او نرسانید که عذابی زود هنگام شما را خواهد گرفت. (۶۴)

فَعَقَرُوهَا فَقَالَ تَمَتَّعُوا فِي دَارِكُمْ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ ۖ ذَٰلِكَ وَعَدُّ
غَيْرُ مَكْنُوبٍ

پس آن را [از روی طغیان و سرکشی] پی کردند. پس صالح گفت:
سه روز [فرصت دارید که] در خانه هایتان از زندگی برخوردار
باشید. این وعده ای بی دروغ است. (۶۵)

فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا صَالِحًا وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ
 مِنَّا وَمِن خِزْيِ يَوْمِئِذٍ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ

پس هنگامی که فرمان ما [بر عذاب آنان] فرا رسید، صالح و آنان را که همراه او ایمان آورده بودند با رحمتی از سوی خود نجات دادیم، و از خواری و رسوایی آن روز [رهایی بخشیدیم]. مسلماً فقط پروردگارت نیرومند و توانای شکست ناپذیر است. (۶۶)

وَ أَخَذَ الَّذِينَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةَ فَأَصْبَحُوا فِي دِيَارِهِمْ
جَاثِمِينَ

و کسانی را که ستم کردند، فریاد مرگبار فروگرفت، پس در
خانه هایشان به رو درافتاده، جسمی بی جان شدند. (۶۷)

كَأَن لَّمْ يَغْنَوْا فِيهَا ۚ أَلَا إِنَّ تَمُودَ كَفَرُوا رَبَّهُمْ ۗ أَلَا بُعْدًا
لِتَمُودَ

گویی در آنجا اقامت نداشتند. آگاه باشید! قطعاً قوم تمود به
پروردگارشان کافر شدند. هان! دوری [از رحمت خدا] بر قوم
تمود باد. (۶۸)

وَلَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَىٰ قَالُوا سَلَامًا ۗ قَالَ
سَلَامٌ ۗ فَمَا لَبِثَ أَنْ جَاءَ بِعِجْلٍ حَنِيذٍ

و به راستی فرستادگان ما ابراهیم را مژده آورده، سلام گفتند، او هم
گفت: سلام [بر شما]. و درنگ نکرد تا گوساله ای بریان [برای
آنان] آورد. (۶۹)

فَلَمَّا رَأَىٰ أَيْدِيَهُمْ لَا تَصِلُ إِلَيْهِ نَكِرَهُمْ وَأَوْجَسَ مِنْهُمْ
خِيفَةً ۚ قَالُوا لَا تَخَفْ إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَىٰ قَوْمِ لُوطِ

و چون دید دست هایشان به سوی غذا دراز نمی شود، آنان را
ناشناس یافت و از آنان احساس ترس و دلهره کرد، گفتند: مترس
که ما به سوی قوم لوط فرستاده شده ایم. (۷۰)

وَأَمْرًا لَهُ قَائِمَةٌ فَضَحِكْتُ فَلَبَسْنَاهَا بِإِسْحَاقَ وَمِنْ وَرَاءِ
إِسْحَاقَ يَعْقُوبَ

پس همسرش در حالی که ایستاده بود [از شنیدن گفتگوی
فرشتگان با ابراهیم] خندید. پس او را به اسحاق و پس از اسحاق
به یعقوب مژده دادیم. (۷۱)

قَالَتْ يَا وَيْلَتَىٰ أَلِدُ وَأَنَا عَجُوزٌ وَهَذَا بَعْلِي شَيْخًا إِنَّ هَذَا
لَشَيْءٌ عَجِيبٌ

[همسر ابراهیم] گفت: ای وای بر من! آیا فرزند آورم در حالی که
من پیرزنم و این شوهر من است که در سنّ سالخوردگی است؟
یقیناً این چیزی بسیار شگفت است!! (۷۲)

قَالُوا أَتَعْجَبِينَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ ^طرَحِمْتُ اللَّهُ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ
أَهْلَ الْبَيْتِ ^ج إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ

گفتند: آیا از کار خدا شگفتی می کنی؟ [در حالی که] رحمت
خدا و برکاتش بر شما خانواده است. یقیناً او ستوده و بزرگواری
است. (۷۳)

فَلَمَّا ذَهَبَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ الرَّوْعُ وَجَاءَتْهُ الْبُشْرَىٰ يُجَادِلُنَا
فِي قَوْمِ لُوطٍ

پس هنگامی که ترس و دلهره از ابراهیم برطرف شد و آن مژده به
او رسید، با ما درباره قوم لوط [به قصد دفع عذاب از آنان] به
گفتگو پرداخت. (۷۴)

إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَحَلِيمٌ أَوَّاهٌ مُنِيبٌ

به راستی که ابراهیم بسیار بردبار و دلسوز و روی آورنده [به

سوی خدا] بود. (۷۵)

يَا اِبْرَاهِيْمُ اَعْرِضْ عَنْ هٰذَا ۗ اِنَّهُ قَدْ جَاءَ اَمْرٌ رَبِّكَ ۗ
وَ اِنَّهُمْ اَتِيهِمْ عَذَابٌ غَيْرُ مَرْدُوْدٍ

ای ابراهیم! از این [گفتگو] درگذر؛ زیرا فرمان پروردگارت [بر
عذاب قوم لوط] فرا رسیده و یقیناً آنان را عذابی بدون بازگشت
خواهد آمد. (۷۶)

وَلَمَّا جَاءَتْ رُسُلُنَا لُوطًا سِيءَ بِهِمْ وَضَاقَ بِهِمْ ذَرْعًا
وَقَالَ هَذَا يَوْمٌ عَصِيبٌ

و هنگامی که فرستادگان ما نزد لوط آمدند، به سبب آمدنشان تنگدل و اندوهگین شد؛ [زیرا خود را برای دفع خطر از مهمانانش در برابر قوم تبهارش توانمند نیافت،] و گفت: این روز سخت و دشواری است. (۷۷)

وَجَاءَهُ قَوْمُهُ يُهْرَعُونَ إِلَيْهِ وَمِنْ قَبْلُ كَانُوا يَعْمَلُونَ
 السَّيِّئَاتِ ۚ قَالَ يَا قَوْمِ هُوَ لَاءِ بَنَاتِي هُنَّ أَطْهَرُ لَكُمْ ۖ فَاتَّقُوا
 اللَّهَ وَلَا تُخْزُونِ فِي ضَيْفِي ۗ أَلَيْسَ مِنْكُمْ رَجُلٌ رَشِيدٌ

و قومش شتابان به سویش آمدند [تا به خیال خود به مهمانانش دست درازی کنند، آن قومی] که پیش از آن کارهای زشت و ناپسند مرتکب می شدند، گفت: ای قوم من! اینان دختران من هستند، اینان [از نظر ازدواج] برای شما پاکیزه ترند، از خدا پروا کنید و مرا در میان مهمانانم رسوا نکنید؛ آیا از میان شما مردی راه یافته نیست؟ (۷۸)

قَالُوا لَقَدْ عَلِمْتَمَا لَنَا فِي بَنَاتِكَ مِنْ حَقٍّ وَإِنَّكَ لَتَعْلَمُ مَا
نُرِيدُ

گفتند: مسلماً دانسته ای که ما را به دخترانت هیچ حاجت و
نیازی نیست و خوب می دانی که ما چه می خواهیم!! (۷۹)

قَالَ لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةً أَوْ آوِي إِلَىٰ رُكْنٍ شَدِيدٍ

گفت: ای کاش برای مبارزه با شما قدرت و نیرویی داشتم یا

به پناهگاهی استوار ماوی می گرفتم. (۸۰)

قَالُوا يَا لُوطُ إِنَّا رُسُلُ رَبِّكَ لَنْ يَصِلُوا إِلَيْكَ ۖ فَأَسْرِ بِأَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِنَ
 اللَّيْلِ وَلَا يَلْتَفِتْ مِنْكُمْ أَحَدٌ إِلَّا أَمْرَاتَكَ ۖ إِنَّهُ مُصِيبُهَا مَا أَصَابَهُمْ ۚ إِنَّ
 مَوْعِدَهُمُ الصُّبْحُ ۚ أَلَيْسَ الصُّبْحُ بِقَرِيبٍ

[میهمانان] گفتند: ای لوط! ما فرستادگان پروردگار توایم، آنان هرگز به تو دسترسی پیدا نمی کنند، پس خانواده ات را در پاره ای از [همین] شب حرکت ده و نباید هیچ یک از شما به سوی شهر بازگردد، اما همسرت را با خود مبر زیرا عذابی که به تبهاران می رسد به او هم خواهد رسید. یقیناً وعده گاهشان [برای دچار شدن به عذاب] صبح [فردا] است، آیا صبح نزدیک نیست؟ (۸۱)

فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا جَعَلْنَا عَالِيَهَا سَافِلَهَا وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهَا
حِجَارَةً مِنْ سِجِّيلٍ مَنْضُودٍ

پس هنگامی که عذاب ما فرا رسید، بالاترین آن [سرزمین آلوده]
را فروترینش نمودیم و بر آن سنگ هایی از نوع سنگِ گل لایه لایه
فرو ریختیم. (۸۲)

مُسَوِّمَةٌ عِنْدَ رَبِّكَ ط وَمَا هِيَ مِنَ الظَّالِمِينَ بِبَعِيدٍ

[سنگ هایی] که نزد پروردگارت نشانه دار بود و آن سنگ ها

از ستمکاران دور نیست. (۸۳)

وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا ۚ قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ
 مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ ۖ وَلَا تَنْقُصُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ ۚ إِنِّي أَرَاكُمْ
 بِخَيْرٍ وَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مُّحِيطٍ

و به سوی [مردم] مدین، برادرشان شعیب را [فرستادیم]. گفت: ای قوم من! خدا را
 پرستید، شما را جز او هیچ معبودی نیست؛ و از پیمانه و ترازو مکاهید، همانا من شما
 را در توانگری و نعمت [ی که بی نیاز کننده از کم فروشی است] می بینم و بر شما از
 عذاب روزی فراگیر بیمناکم. (۸۴)

وَيَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ ۖ وَلَا تَبْخَسُوا
النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ

و ای قوم من، پیمانه و ترازو را عادلانه [و منصفانه] کامل و تمام بدهید، و
اجناس مردم را [هنگام خریدن] کم شمارتر و کم ارزش تر [از آنچه که
هست] به حساب نیاورید و در زمین تبهکارانه فتنه و آشوب برپا نکنید. (۸۵)

بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ۚ وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ
بِحَفِيظٍ

آنچه خدا [در کسب و کارتان از سود و بهره پس از پرداخت حق
مردم] باقی می گذارد، برای شما بهتر است اگر مؤمن باشید، و
من بر شما نگهبان نیستم. (۸۶)

قَالُوا يَا شُعَيْبُ أَصَلَاتُكَ تَأْمُرُكَ أَنْ نَتْرُكَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا
 أَوْ أَنْ نَفْعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ إِنَّكَ لَأَنْتَ الْحَلِيمُ
 الرَّشِيدُ

گفتند: ای شعیب! آیا نمازت به تو فرمان می دهد که آنچه را پدرانمان می پرستیدند رها کنیم؟ یا از اینکه در اموالمان به هر کیفیتی که می خواهیم تصرف کنیم دست برداریم؟ به راستی که تو [انسانی] بردبار و راه یافته ای [پس چرا می خواهی در برابر آزادی ما نسبت به بت پرستی و هزینه کردن اموالمان به هر کیفیتی که خواهیم بایستی؟!] (۸۷)

قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِن كُنْتُمْ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّي وَرَزَقْنِي مِّنْهُ
 رِزْقًا حَسَنًا وَمَا أُرِيدُ أَنْ أُخَالِفَكُمْ إِلَىٰ مَا أَنهَآكُمْ عَنْهُ ۚ إِن أُرِيدُ
 إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ ۚ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ ۚ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ
 وَإِلَيْهِ أُنِيبُ

گفت: ای قوم من! مرا خبر دهید اگر من بر دلیل روشنی از سوی پروردگارم متکی باشم و از جانب او رزق نیکویی به من داده باشد [آیا رواست که خلاف خواسته او عمل کنم؟] و من نمی خواهم آنچه که شما را از آن باز می دارم خود مرتکب شوم؛ تا جایی که قدرت دارم جز اصلاح [شما را] نمی خواهم؛ و توفیقم فقط به [یاری] خداست؛ بر او توکل کردم و به سوی او باز می گردم. (۸۸)

وَيَا قَوْمِ لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شِقَاقِي أَنْ يُصِيبَكُمْ مِثْلُ مَا أَصَابَ قَوْمَ
 نُوحٍ أَوْ قَوْمَ هُودٍ أَوْ قَوْمَ صَالِحٍ ۚ وَمَا قَوْمُ لُوطٍ مِنْكُمْ بِبَعِيدٍ

ای قوم من! دشمنی و مخالفت با من، شما را به جایی نرساند، که [عذابی] مانند آنچه
 به قوم نوح یا قوم هود یا قوم صالح رسید به شما هم برسد، و قوم لوط از شما [چه از
 جهت زمان و چه از جهت مکان] چندان دور نیست. (۸۹)

وَاسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي رَحِيمٌ وَدُودٌ

از پروردگارتان آمرزش بطلبید، سپس به سوی او بازگردید؛ زیرا
پروردگارم مهربان و بسیار دوستدار [توبه کنندگان] است. (۹۰)

قَالُوا يَا شُعَيْبُ مَا نَفَقَهُ كَثِيرًا مِمَّا تَقُولُ وَإِنَّا لَنَرَاكَ فِينَا
 ضَعِيفًا ۖ وَلَوْلَا رَهْطُكَ لَرَجَمْنَاكَ ۖ وَمَا أَنْتَ عَلَيْنَا بِعَزِيزٍ

گفتند: ای شعیب! بسیاری از مطالبی که می گویی نمی فهمیم، و به راستی تو را در [مقایسه با] خود، ناتوان و ضعیف می بینیم، و اگر عشیره ات نبودند، بی تردید سنگسارت می کردیم، و تو بر ما پیروز نیستی. (۹۱)

قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ لِي آيَاتٍ مِنْ رَبِّي وَأَنْتُمْ كَارِهِونَ
 وَرَأَيْتُمْ لِي آيَاتٍ مِنْ رَبِّي وَأَنْتُمْ كَارِهِونَ

گفت: ای قوم من! آیا عَشیره کوچکم نزد شما از خدا عزیزتر است
 که او را پشت سر قرار داده و فراموشش کرده اید؟! یقیناً پروردگارم
 به همه اعمالی که انجام می دهید، احاطه دارد. (۹۲)

وَيَا قَوْمِ اَعْمَلُوا عَلٰى مَكَانَتِكُمْ اِنِّىْ عَامِلٌ ۭ سَوْفَ تَعْلَمُوْنَ
 مَنْ يَّاتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَمَنْ هُوَ كَاذِبٌ ۭ وَاَرْتَقِبُوا اِنِّىْ
 مَعَكُمْ رَقِيْبٌ

و ای قوم من! به اندازه ای که در قدرت و توان شماست، عمل کنید، من [هم] بی تردید
 [به وظیفه الهی خود] عمل می کنم؛ به زودی خواهید دانست، چه کسی را عذاب رسوا
 کننده خواهد آمد و دروغگو کیست؟! و منتظر بمانید که من هم با شما منتظرم. (۹۳)

وَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا شُعَيْبًا وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ
 مِنَّا وَأَخَذَتِ الَّذِينَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةَ فَأَصْبَحُوا فِي دِيَارِهِمْ
 جَاثِمِينَ

و هنگامی که عذاب ما رسید، شعیب و کسانی را که با او ایمان آورده بودند، با رحمتی
 از سوی خود نجات دادیم، و کسانی را که [به آیات ما] ستم کردند، فریاد مرگبار فرا
 گرفت، پس در خانه هایشان به رو در افتاده جسمی بی جان شدند. (۹۴)

كَأَن لَّمْ يَغْنَوْا فِيهَا^ق إِلَّا بُعْدًا لِمَدِينٍ كَمَا بَعِدَتْ ثَمُودُ

گویی در آنجا اقامت نداشتند. آگاه باشید! مدین [از رحمت

خدا] دور باد، همان گونه که ثمود دور شد. (۹۵)

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُّبِينٍ

همانا موسی را با نشانه های خود و برهانی روشن فرستادیم،

(۹۶)

إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَأِيهِ فَاتَّبِعُوا أَمْرَ فِرْعَوْنَ ^ط وَمَا أَمْرُ
فِرْعَوْنَ بِرَشِيدٍ

به سوی فرعون و اشراف و سران [قوم] او، ولی [آنان برای حفظ
مقام و مال خود] از فرمان فرعون پیروی کردند، در حالی که
فرمان فرعون راهنمای به سوی سعادت و خوشبختی نبود. (۹۷)

يَقْدُمُ قَوْمَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَأَوْرَدَهُمُ النَّارَ ۖ وَبِئْسَ الْوِرْدُ
الْمَوْرُودُ

[فرعون] روز قیامت پیشاپیش قومش می رود، پس آنان را به آتش
درمی آورد، و بد نصیب و سهمی است [آتشی] که در آن وارد می
شود. (۹۸)

وَأَتَّبِعُوا فِي هَذِهِ لَعْنَةً وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ بِئْسَ الرِّفْدُ الْمَرْفُودُ

و در این دنیا و روز قیامت به لعنتی بدرقه شدند [و آن

لعنت] بد عطیه ای است که به آنان می دهند. (۹۹)

ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْقُرَىٰ نَقُصُّهُ عَلَيْكَ مِنْهَا قَائِمٌ وَحَصِيدٌ

این از گزارش های شهرها [و اهل آنها] است که آن را بر تو
حکایت می کنیم، برخی از آن [شهر] ها هنوز برجایند، و برخی
درو شده بر باد رفته اند! (۱۰۰)

وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِنْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ ۖ فَمَا أَغْنَتْ عَنْهُمْ
 آلِهَتُهُمُ الَّتِي يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ لَمَّا جَاءَ أَمْرُ
 رَبِّكَ ۖ وَمَا زَادُوهُمْ غَيْرَ تَتْبِيبٍ

و ما بر آنان ستم نکردیم، ولی آنان بر خویشتن ستم ورزیدند، پس هنگامی که عذاب
 پروردگارت فرا رسید، معبودانی که به جای خدا می پرستیدند، چیزی [از عذاب را] از
 آنان دفع نکردند، و به آنان جز خسارت و هلاکت نیفزودند. (۱۰۱)

وَكَذَلِكَ أَخْذُ رَبِّكَ إِذَا أَخَذَ الْقُرَىٰ وَهِيَ ظَالِمَةٌ ۚ إِنَّ أَخْذَهُ
أَلِيمٌ شَدِيدٌ

و چنین است مؤاخذه کردن پروردگارت، هنگامی که [مردم]
آبادی ها را در آن حال که ستمکارند مؤاخذه می کند. بی تردید
مؤاخذه او دردناک و سخت است. (۱۰۲)

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّمَنْ خَافَ عَذَابَ الْآخِرَةِ ۚ ذَلِكَ يَوْمٌ
مَّجْمُوعٌ لَهُ النَّاسُ وَذَلِكَ يَوْمٌ مَّشْهُودٌ

یقیناً در آن مؤاخذه ها برای کسی که از عذاب آخرت می ترسد، عبرت
است، [و] آن روزی است که مردم را برای آن گرد می آورند، و آن
روزی است که [همه صحنه های آن] مورد مشاهده است. (۱۰۳)

وَمَا نُؤَخِّرُهُ إِلَّا لِأَجَلٍ مَّعْدُودٍ

و ما آن روز را جز برای مدتی اندک به تأخیر نمی اندازیم.

(۱۰۴)

يَوْمَ يَأْتِ لَا تَكَلِّمُ نَفْسٌ إِلَّا بِإِذْنِهِ فَمِنْهُمْ شَقِيٌّ وَسَعِيدٌ

روزی که چون فرارسد، هیچ کس جز به اجازه او سخن نمی گوید؛ پس برخی تیره بخت و برخی نیک بخت اند. (۱۰۵)

فَأَمَّا الَّذِينَ شَقُّوا فِي النَّارِ لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَشَهِيقٌ

اما تیره بختان [که خود سبب تیره بختی خود بوده اند] در آتش
اند، برای آنان در آنجا ناله های حسرت بار و عربده و فریاد است.

(۱۰۶)

خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ
رَبُّكَ ۚ إِنَّ رَبَّكَ فَعَّالٌ لِمَا يُرِيدُ

در آن تا آسمان ها و زمین پابرجاست جاودانه اند، مگر آنچه را که
مشیت پروردگارت اقتضا کرده است؛ بی تردید پروردگارت هر
چه را اراده می کند، انجام می دهد. (۱۰۷)

وَأَمَّا الَّذِينَ سَعِدُوا فِي الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ
 السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ ۗ عَطَاءٌ غَيْرَ
 مَجْذُودٍ

اما نیک بختان [که به توفیق و رحمت خدا سعادت یافته اند] تا آسمان ها و زمین پابرجاست، در بهشت جاودانه اند مگر آنچه را مشیت پروردگارت اقتضا کرده، [بهشت] عطایی قطع ناشدنی و بی پایان است. (۱۰۸)

فَلَا تَكُ فِي مِرْيَةٍ مِمَّا يَعْبُدُ هُوَ لَآءِ ج مَا يَعْبُدُونَ إِلَّا كَمَا
 يَعْبُدُ آبَاؤُهُمْ مِنْ قَبْلُ ج وَإِنَّا لَمَوْفُوهُم نَصِيبَهُمْ غَيْرَ
 مَنقُوصٍ

پس در باطل بودن معبودانی که مشرکان می پرستند، شک نداشته باش؛ اینان نمی
 پرستند مگر به همان صورت که پدرانشان پیش از این می پرستیدند [و آن پرستشی از
 روی جهل و بی خردی بود]. و ما سهمشان را [از عذاب] به طور کامل و بی کم و
 کاست خواهیم داد. (۱۰۹)

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاخْتَلَفَ فِيهِ ۚ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ
 مِنْ رَبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ ۚ وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مُرِيبٍ

و به راستی به موسی کتاب دادیم، پس در آن اختلاف شد، و اگر از سوی پروردگارت [به سبب اتمام حجت] مهلتی برای انسان تا اجل معینش مقدر نشده بود، یقیناً میانشان [به عذاب] داوری شده بود [و هیچ کس از آنان پس از آن داوری زنده نمی ماند] و این یهودی ها [ی عصر تو] درباره تورات [که بخشی از آیاتش تحریف شده و پاره ای از مطالبش آمیخته با خرافات و قسمتی از نوشته هایش دور از فطرت و غیر قابل اجراست] در تردیدی آمیخته با بدگمانی اند. (۱۱۰)

وَإِنَّا كُلًّا لَّمَّا لِيُوفِّيَنَّهُمْ رَبُّكَ أَعْمَالَهُمْ ^ج إِنَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ
خَبِيرٌ

و یقیناً پروردگارت [پاداش] اعمال همه آنان را [در قیامت] کامل
و تمام پرداخت خواهد کرد؛ زیرا او به آنچه انجام می دهند، آگاه
است. (۱۱۱)

فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا
تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

پس همان گونه که فرمان یافته ای ایستادگی کن؛ و نیز آنان که
همراهت به سوی خدا روی آورده اند [ایستادگی کنند] و سرکشی
مکنید که او به آنچه انجام می دهید، بیناست. (۱۱۲)

وَلَا تَرْكُنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّنْ
 دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ

و به کسانی که [به آیات خدا، پیامبر و مردم مؤمن] ستم کرده اند، تمایل و اطمینان نداشته باشید و تکیه نکنید که آتش [دوزخ] به شما خواهد رسید و در آن حال شما را جز خدا هیچ سرپرستی نیست، سپس یاری نمی شوید. (۱۱۳)

وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَزُلْفًا مِنَ اللَّيْلِ ۚ إِنَّ
الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ۚ ذَلِكَ ذِكْرِي لِلذَّاكِرِينَ

و نماز را در دو طرف روز و ساعات نخستین شب برپا دار، که
یقیناً نیکی ها، بدی ها را از میان می برند، این برای یادکنندگان
تذکر و یاد آوری است. (۱۱۴)

وَاصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ

و شکیبایی کن که یقیناً خدا پاداش نیکوکاران را تباه نمی

کند. (۱۱۵)

فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ أُولُو بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ عَنِ
 الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّنْ أَنْجَيْنَا مِنْهُمْ قُلِّ وَاتَّبَعَ
 الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا أُتْرِفُوا فِيهِ وَكَانُوا مُجْرِمِينَ

پس چرا در میان امت هایی که پیش از شما بودند، مصلحانی دلسوز نبودند که [مردم
 را] از فساد در زمین بازدارند؟ مگر اندکی که [به سبب بازداشتن مردم از فساد]
 نجاتشان دادیم. و آنان که ستم کردند، دنباله رو [و دل بسته] چیزی از نعمت و ثروت
 شدند [که در آن به سرکشی و طغیان افتادند] و آنان گنهکار بودند. (۱۱۶)

وَمَا كَانَ رَبُّكَ لِيُهْلِكَ الْقُرَىٰ بِظُلْمٍ وَأَهْلِهَا مُصْلِحُونَ

و پروردگارت بر آن نبوده است که شهرهایی را در حالی که
مردمش درست کارند، ظالمانه هلاک کند. (۱۱۷)

وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً ۗ وَلَا يَزَالُونَ
مُخْتَلِفِينَ

اگر پروردگارت می خواست یقیناً تمام مردم را [از روی اجبار، در
مسیر هدایت] امت واحدی قرار می داد، [ولی نخواست به همین
سبب] همواره [در امر دین] در اختلاف اند. (۱۱۸)

إِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبُّكَ^ج وَلِذَلِكَ^ا خَلَقَهُمْ^ظ وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ
لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ

مگر کسانی که پروردگارت به آنان رحم کرده و به همین سبب آنان را آفریده است. و فرمان حتمی پروردگارت تحقق یافت که همانا دوزخ را از همه جن و انس [که راه کفر و عناد را برگزیدند] پر خواهم کرد. (۱۱۹)

وَكُلًّا نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نُثَبِّتُ بِهِ فُؤَادَكَ ۚ
وَجَاءَكَ فِي هَذِهِ الْحَقُّ وَمَوْعِظَةٌ وَذِكْرَىٰ لِلْمُؤْمِنِينَ

و هر سرگذشتی از سرگذشت های [پندآموز] پیامبران را که برایت می خوانیم،
حقیقتی است که دل تو را به آن پابرجا و استوار کنیم، و برای تو در این
سرگذشت ها حق و بهره بردن مؤمنان پند و تذکری آمده است. (۱۲۰)

وَقُلْ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ اَعْمَلُوا عَلٰی مَا كَانْتُمْ اِنَّا عَامِلُونَ

و به کسانی که ایمان نمی آورند، بگو: به اندازه قدرتتان عمل کنید، و ما هم [بی تردید به وظایف الهی خود] عمل می کنیم.

(۱۲۱)

وَانتَظِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ

و [به خاطر اعمال ناهنجارتان] به انتظار [عذاب] بمانید که

ما هم [عذاب شما را] منتظریم. (۱۲۲)

وَلِلَّهِ غَيْبُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَيْهِ يُرْجَعُ الْأَمْرُ كُلُّهُ
فَاعْبُدْهُ وَتَوَكَّلْ عَلَيْهِ ۚ وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ

نهان آسمان ها و زمین فقط در سیطره دانش خداست، همه کارها به او باز گردانده می شود؛ پس او را بندگی کن و بر او توکل داشته باش، و پروردگارت از آنچه انجام می دهید، بی خبر نیست. (۱۲۳)